

دوشنبه 15 اپریل 2019

مرجان کمال

## جنگ میراثی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت ششم

ای چشم ز گریه سرخ خواب از تو گریخت      ای جان به لب آمده از تو گریخت  
با غم سر کن که شادی از کوی تو رفت      با شب بنشین که آفتاب از تو گریخت



## اهالی کوهستان ها و اهالی دره ها

تشکیلات سیاسی تغییر ناپذیر، چهره های سرشناس - خان، مشر و ملک:

اکبر احمد قبایل پشتون را به دو کتگوری اساسی توضیح و تشریح می نماید، یک طرف قبایل ننگ و در طرف دیگر قبایل قلنگ. دلیل این تقسیمات، در اثر موجودیت دو نوع محیط سیاسی - اجتماعی است، که هر کدام آن ها نظر به دسترسی به نوع منابع اقتصادی و نوع ارتباطات با دولت مشخص می گردند.

**در نوع اول:** قبیله ننگ، نظر به این که در مناطق دور افتاده و در ارتفاعات بلند زندگی می کنند و از دولت مرکزی بسیار دور افتاده اند، فلذا روابط خیلی دور با دولت داشته و دسترسی شان به منابع اقتصادی بسیار ناچیز و کم می باشد.

**در نوع دوم:** که دلالت به قبایل فلنگ می کند، آن ها تابع دولت مرکزی بوده و در دره ها و ارتفاعات پائین بود و باش دارند و باعث تشکیل ساحات زراعتی گردیده و به صورت نسبی منشأ تجمع سرمایه مالی و ارضی می باشند. در حالیکه قبایل اول الذکر توسط اصطلاح که دلالت به مفهوم شرف، آبرو و حیثیت و افتخار می کند اطلاق می شود، که به صورت عمومی ارزش مرکزی در طرز زندگی پشتون ها دارد. و مشخصاً قبایل دو طرف سلسله کوه سلیمان که به نام پشتون های مشرقی یاد می شوند، این ها قبایل مساوات طلب هستند، کم و یا هیچ سلسله مراتب را عملی می کنند و منابع اقتصادی شان محدود می باشد.

قبایل فلنگ به زراعت و مالداری مصروف بوده و موفق به تولیدات زیادتیر از حد کفا می شوند و به این ترتیب به طرف قشربندی تدریجی روان هستند. برای اکبر احمد به درجه اول قبیله یوسفزی در صوات و همچنین به قبایل پوپلزی و بارکزی از کنفدرسیون درانی که در دره زراعتی منطقه جنوب مستقر اند اطلاق می شود. فلذا اشاره به مفهوم شرف، آبرو و حیثیت و افتخار که برای طبقه اول توسط اصطلاح ننگ اشاره شد، یک ارزش مرکزی ننننها برای تمام قبایل پشتون، بلکه به تمام جمعیتی که در ساحات زراعتی و مالداری دهات افغانستان، دارد. انالیز و تحلیل از رول که توسط این ارزش در مشخص گردیدن هویت، نشان دهنده دینامیک اجتماعی که توسط پدیده های تقسیمات منابع، قشر بندی اجتماعی و اطاعت از دولت و یا عدم پذیرش دولت که اساس همه را بازی های سمبولیک تشکیل داده است.

### **نوع دلخواه (Idéal Type) تشکیلات ننگ در مهمند اجنسی (منطقه تحت کنترل دولت پاکستان):**

قبیله مهمند در حدود 400000 جمعیت را در سال های 1960 میلادی تشکیل می دادند و تقریباً به دو طرف خط دیورند در مناطق قبایلی به صورت مساوی تقسیم شده اند. اکبر احمد طرف پاکستان این قبیله را مورد مشاهده قرار داده است. این قبیله در قرن شانزدهم فوراً بعد از یوسفزی ها در منطقه مستقر شدند. در سال 1550 میلادی یوسفزایی ها منطقه هشتنغر و مردان را که تحت کنترل مهمند ها بود اشغال نمودند و مهمند ها به طرف مناطق کوهستانی رانده شده و خود را برای حمله به کاروان ها آماده ساختند، تا انقراض امپراطوری مغل ها، در اواسط قرن هژدهم به اردو پیوستند، و این ها یک نمونه اصلی قبیله ننگ هستند، زیرا مساوات طلب و سطح زندگی همه شان یک سویه می باشد با پسران کاکا ( تربروالی) در حالت رقابتی شدید قرارداشته که به زد و بند های آبرو و حیثیت و کینه توزی توجیه می گردد.

مساوات و برابری به این معنی است که هر شخص در داخل قبیله خود می تواند ادعای لیدر شف بودن نماید.

برای رسیدن به این مقام باید از چهار مؤقف برخوردار باشند:

مقام مَلِک (یک شف خورد)، مشر (بزرگ قومی)، یک مقام غیر رسمی که دلالت به مَلِک می نماید که توسط دولت انتصاب شده باشد و آخری کشر: «یک جوان (این شف نفوذ کمتر داشته، مگر برای به دست آوردن این که

یک روز ملک و یا مشر شود مبارزه می کند)». بالاخره در حالت بحران یک نوع دیگر شف تبارز می کند که عبارت از شخصیت های مذهبی می باشند، که در حالت عادی مؤقف پائین دارند. در شروع قرن بیستم انگلیس ها سیاست استخدام ملک ها را خود شان گرفتند و برای شان معاش مقرر نمودند، لکن این ملک ها مورد قبول قبایل نبودند. این پدیده را اکبر احمد مهم دانسته، و آن را برای قشر بندی اجتماعی و ظاهر شدن یک طبقه یا گروه نامدار و متبارز ارتباط نمی دهد.

قبیله مهمند یک تشکیلات بی سر (acéphale) و پارچه، پارچه است که مشخصه تشکیلات ننگ بوده و مربوط به محیط کوهستانات و محروم از منابع تولیداتی می باشند.

در عوض یک قسمت سرزمین شان، که در داخل ساحه اداری محلی « Sttled Areas Mohmands » (SAM) مدغم است که توسط مامورین رسمی پاکستان رهبری می شوند، و در جمله منطقه قبایلی به شمار نمی رود، و در یک وضع نامناسب و نا مطلوب نظر به مناطق قبایلی « Tribal Area Mohmands » (TAM) قرار دارند.

اولی صرفاً مصرف فعالیت های زراعتی بوده و این فعالیت ها توسط یک طبقه نسبتاً متجانس و یک تعداد زمین داران خورد عملی می گردد. دومی سبب انکشاف فعالیت های تولیدی و ترانسپورت مواد تجارتي قانونی و غیر قانونی در دو طرف سرحد می باشند، و از طرف دیگر از زیر بنا های خدمات دولتی در قسمت دومی انکشاف یافته است، که از خدمات عامه مانند برق، صحت و معارف مستفید گردیده اند.

شروع پلان انکشافی در سال های 1970 میلادی مطابقت با هجوم خارجی ها در منطقه نمی کند مگر سبب منافع نسل خورد (Junior Lineages) و ضرر ملک ها می باشد.

مناطق تحت اداره پولتیکل اجنت (SAM) (Political Agent) کاملاً منسوخ از انکشاف استند، این وضعیت زیان آور و نا مناسب نسبی این منطقه (SAM) نیز خود بیانگر تشکیلات داخلی می باشد.

رهبران (SAM) مانند رهبران (TAM) مقتدر نیستند، وظایف شان از نزد شان توسط پولیس و مامورین دولتی گرفته شده است. روابط شان همراي دولت توسط وابستگی های شان مشخص و معین می باشد و از نقطه نظر سلسله مراتب در چوکات ماموریت شان به رتبه پائین ترین مصادف می باشد.

بر عکس با رهبران منطقه آزاد قبایلی (TAM) رفتار پولتیکل اجنسی و مقامات اداری محلی به یک سویه مساوات و محترمانه می باشد.

ادامه دارد